

در دنیا دو نقطه هلال طلائی و مثلث طلائی عمده تولید موادمخدر را دارا می‌باشند که مثلث طلائی بین لائوس، میانمار و تایلند است و هلال طلائی میان افغانستان و پاکستان می‌باشد. آن چه از آمار کشفیات موادمخدر در کشور استنباط می‌شود این است که عمده موادمخدر از دو استان خراسان و سیستان و بلوچستان وارد کشور می‌شود و این اطلاعات مبین آن است که موادمخدر از طریق مرزهای افغانستان و پاکستان که دو رأس "هلال طلائی" می‌باشند وارد ایران گشته

دهند که عدم کنترل عناصر امنیتی موجب گستاخ شدن بیش از حد آنان می‌شود. هم اینک، با توجه به بروز خشکسالی که خود به خود پدیده قاچاق به ویژه موادمخدر را افزایش می‌دهد، ترغیب کشاورزان افغان توسط طالبان به کشت خشخاش هم در گسترش قاچاق مؤثر است. با توجه به عدم نیاز چندان این گیاه به آب و گسترش روزافزون سطح زیر کشت این محصول، اگر میزان سودآوری نسبی این محصول را که با میزان ریسک کم، سودآوری شگفت‌انگیزدار

ریشه در تلاش مأموران امنیتی دارد، اما از سوی دیگر نشان‌گر حجم بیشتر نقل و انتقال موادمخدر از مرزهاست؛ چرا که مواد کشف شده، ذرصدی از موادمخدر نقل و انتقال یافته است. به طور تقریبی پیش‌بینی می‌شود چهار هزار تن تریاک از محصولات امسال خشخاش طالبان حاصل شود و نیز باید در نظر گرفت که مواد کشف شده، ذرصد کمی از مواد انتقال یافته می‌باشد. مراکز اصلی کشت در افغانستان، جلال‌آباد، قندهار و هلمند می‌باشند و

# اروپا سه راهی ما تلفات می‌دهیم

تلخیص

و سپس به سوی اروپا گسیل می‌شود. در استان سیستان و بلوچستان با وسعت ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع، ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان و پاکستان، فقر مالی و به تبع آن فقر فرهنگی حاکم بر منطقه، چندگانگی قومی و مذهبی در استان و نیز اشتراکات قومی در دو سوی مرز و عدم ثبات در کشورهای همجوار به ویژه افغانستان، موجب بروز برخی شرایط جهت رواج و شیوع پدیده قاچاق در این خطه از کشور شده است. تاکنون ۴۹۶ نفر از نیروهای امنیتی به شهادت رسیده‌اند و بیش از پنج هزار نفر زندانی در امور مربوط به موادمخدر، در زندان‌ها به سر می‌برند.

و با سایر محصولات کشاورزی مقایسه کنیم، به این مهم دست خواهیم یافت که خطر گسترش آزمایشگاه‌های قبیّه و فرآوری محصولات گوناگون از خشخاش نیز همین سهو صعدی و افزایشی را طی خواهند کرد. این که میزان کشفیات در سال‌های اخیر روز به روز افزایش داشته است، اگر چه در یک سهو

**در "نیمروز"، در نواحی مرزی ایران و بخصوص "چهار برجک"، موادمخدر تحویل قاچاقچیان می‌شود که از عمده معامله کنندگان و تولیدکنندگان موادمخدر می‌توان به چند تن از اعضای شوزای طالبان اشاره کرد.**

مرغوبترین تریاک از همین مزارع به دست می‌آید. موادمخدر در افغانستان در بازار "تقیل" واقع در شهر بدخشان معامله می‌شود و نیز تولیدات استان هلمند در بازار "فرمانداری سنگین" و تولیدات استان‌های ارزگان و بادغیس در بازارهای "دهوار" و "مرغاب" به فروش می‌رسد. در "نیمروز"، در نواحی مرزی ایران و بخصوص "چهار برجک"، موادمخدر تحویل قاچاقچیان می‌شود که از عمده معامله کنندگان و تولیدکنندگان موادمخدر می‌توان به چند تن از اعضای شورای طالبان اشاره کرد. به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود بازارهای گوناگون برای معاملات مربوط به موادمخدر، "چوتو" مهمترین بازار این مواد در افغانستان باشد و طبق گفته‌های کارشناسان، "چوتو"، "خواجه علی بالا"، "خواجه علی پالین" و "ریک" دارای لابراتوارهای مجهز موادمخدر در افغانستان می‌باشند. طبق آمارهای غیررسمی ۹۶٪ از تریاک تولیدی افغانستان زیر نظر طالبان کشت می‌شود.

البته پاکستان نیز وضعیت بهتری در این زمینه نداشته و تعداد کثیری از پاکسدها در کراچی، پشاور، تربت، چ...

عالم‌بین و گردی جنگل اقدام به حمل و خرید و فروش مواد مخدر می‌نمایند.

تا کنون نزدیک به ۹۰۰ میلیون دلار در زمینه انسداد مرزها هزینه شده که علاوه بر این، هنوز بسیاری از نواحی مرزی نیاز به انسداد و حفر کانال دارند؛ مانند تنگه حصار و نیز دهانه منتهی به دشت سمسور و رودخانه شاهی کوثر در ایرانشهر و برخی جاهای دیگر. تجهیز پاسگاه‌ها نیز مستلزم صرف وقت و هزینه می‌باشد و از سوی دیگر هزینه نگهداری زندانیان نیز سرسام‌آور است و این همه برای آن است که کاروان‌های عظیم مواد مخدر، از این راه میان‌بر به اروپا نرسیده و حجم تولیدات شوم خویش را به سر منزل مصرف که همان اروپاست، نرسانند.

شاید در وهله نخست کمی ویرحمانه به نظر برسد، اما واقعاً چرا باید این همه هزینه و بودجه که می‌تواند صرف آبادسازی کشور شود، صرف مبارزه‌ای گردد که مردمان قاره‌ای مرفه از آن منتفع می‌شوند؟ این بدان معنا نیست که بسایند دست روی دست گذاشت تا این کاروان‌ها از ایران عبور کنند و در طی عبور، جوانان ما را نیز به آلودگی بکشند. هر چند که استان سیستان و بلوچستان که به نوعی سیل سیلاب کاروان‌های مواد مخدر به شمار می‌رود، آمار اعتیاد و مصرف مواد مخدر آن از استان‌های همجوار پالین‌تر است و این به دلیل برخی تعقیدات عرفی - مذهبی می‌باشد و این در حالی است که در نگاه نخست باید این استان بالاترین آمار مصرف را داشته باشد، اما آمارها ناقدی این پیش فرض است. بی‌شک مقصد‌هایی این مواد اروپاست، اما به هر حال وقتی میزان مواد مخدر موجود در یکی از انبارهای تهران بیست میلیون دلار برآورد

می‌شود، تنها با نگاهی اجمالی خواهیم فهمید که در صورت عدم کنترل از سوی دولت جمهوری اسلامی، ورود این حجم مواد مخدر به اروپا چه فاجعه انسانی را رقم خواهد زد؟

به نظر می‌رسد اقدامات جمهوری اسلامی اگر چه در واقع به منظور سالم و پاکیزه نگه داشتن فضای کشور است، اما گروه کثیری از کشورهای جهان را نیز از اقدامات خویش منتفع می‌سازد. لذا لازم است تدابیری اندیشیده شود تا کشورهای یاد شده از نظر تأمین هزینه‌های مربوط به مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر بیش از پیش خود را دخیل دانسته و با طیب خاطر مشارکت یابند.

در مقایسه با حجم تلفات نیروهای مسلح و نیز حجم مواد مخدر توقیفی و نیز رقم‌های چند صد میلیون دلاری هزینه شده در این راه، کمک‌های دست و دلبازانه! چند صد هزار دلاری آنان گرهی از مشکلات ما نمی‌گشاید. شاید با توجه به عدم توافق کشورهای همسایه افغانستان و پاکستان در کنترل مرزها، بسایند کاروان‌های عمده‌ای که چشم به بازارهای داخلی ندارند را نادیده انگاشت و تحت شرایط ویژه و از مسیرهای مشخص با مراقبت خاص اجازه عبور تا اروپا را صادر کرد و حتی بر سرانه درآمد ملی نیز افزود! اگر نه، پس بسایند راه‌حلی اندیشید که کارساز و متناسب با شرایط باشد. مراسم بزرگداشت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر بهترین فرصت است تا کشورهای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل، ضمن اتخاذ تدابیر جدی‌تر و نگاهی ژرف‌تر، اقدامات ابتکارگراانه ایرانیان را بیشتر حرمت نهند و هر یک بخشی از بار میلی این مبارزه نابرابر را به دوش کشند و از سوی دیگر با پرداختن به اقدامات زیربنایی، باری‌رسان ملت و دولت ایران در حل

مشکلات ناشی از مواد مخدر باشند. به عنوان مثال، وقف حادثه‌ای طبیعی چون خشکسالی می‌تواند به طور آشکار بر پدیده مدموم قاچاق تأثیر مثبت گذاشته و به آن سیر صعودی بدهد، پس شاید بتوان با سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل به ویژه در استان‌های مرزی، افراد را از گرویدن به گروه‌های قاچاق بازداشت.

منبع: شورای شرق، هفته‌نامه اختصاصی سیستان و بلوچستان ۷۹/۳/۳۱

تا کنون نزدیک به ۹۰۰ میلیون دلار در زمینه انسداد مرزها هزینه شده که علاوه بر این،

هنوز بسیاری از نواحی مرزی نیاز به انسداد و حفر کانال دارند

وقتی میزان مواد مخدر موجود در یکی از انبارهای تهران بیست میلیون دلار برآورد می‌شود،

تنها با نگاهی اجمالی خواهیم فهمید که در صورت عدم کنترل از سوی دولت جمهوری

اسلامی، ورود این حجم مواد مخدر به اروپا چه فاجعه انسانی را رقم خواهد زد؟